

حضرت مستطاب شوقی افندی جناب سید اسد الله دکتور فرید جناب میرزا میرزین
جناب خسرو و دسادم کلیم عبد فانی محمود زرقانی بعد از حرکت کشتی در صالون خوراک
درجه اول برای نامار سرسبز جالس شده خدام آستان راهم اجازه جلوس فرمودند زیرا
اوطاقهای خدام در درجه ثانی بود ولی قرار خورکشان در درجه اول در حضور مبارک
و از جمله بیانات مبارک سرسبز این بود که "دکتور این جهاز ایتالیائیست چون اینها با ترکها حرب دارند
ما راهم ترک تصور نموده میخواهد با ما جهاد کند میگوید چشم خسرو عظمی دارد که ممنوع دخول میکند
خواهد بود خواست چشم سائرین راهم معاینه کند دکتور فرید مانع شد (بخسرو فرمودند) مضطرب
مباش تا ممکن است نمی گذارم رحمت کنی حاجتی جان خود را فدای یکدیگر نمایم، بعد با وطاق مبارک
در طبقه فوقانی تشریف برده قدری استراحت نمودند چای عصر را سرسبز میل فرمودند
و از کثرت اکل اروپائیه صحبت می نمودند که دو ساعت نیست نامار خورده اند حالا باز با چای غندی
منفصل میخورند بعد ذکر ایتالیائیه می فرمودند که در زمان رومان مشهور بسلام و خلاق بودند
ولی حالا مانند یونانیها در نهایت سوء اخلاق مشاهد میشوند و همچنین امانی بر مصر او خسر
ایام اقامت در بر مصر بحبت تعمیر قبر حاجی ابوالقاسم بطنطا و از آنجا منصوره رفتم در طنطا یکی از
روسای انگلیز با ما آشنا بود خیلی احترام کرد و بمنه جا مارا مقدمی داشت امانی چون این
وضع را میدیدند بامیش از آن شخص تعظیم و تکریم می کردند همه از بزرگ و کوچک حتی پلیسها سلام
میدادند و چون بعدتها منصوره رفتم و بنظا هر سبب تعلی نمیدیدند چنان توخوبی نداشتند
این طور امانی ظاهرین و تملقند، شب سرسبز تشریف نیاوردند پیش خدمت جاز شام را

با و طاق مبارک برد پس از صرف شام بیرون قدری روی کرسی راحتی تشریف داشتند
 و بعد استراحت فرمودند صبح ۷ ربیع الثانی (۲۶ مارچ) فانی نزدیک و طاق مبارک بود
 که بیرون تشریف آوردند سه فرمودند شب راحت بودم مدتی بود استخوانهای من درد
 میکرد براحت نمیخواهیدم حالا بخلی رفع شده (عرض شد سفر آخر رطوبت بواسطه رطوبت هوای
 اینجا بود مبارک ساخت فرمودند) بلی هوای اینجا بهتر است زیرا رطوبت دریا متصاعد
 میشود و مضر نیست اما رطوبت زمینی که نزدیک دریاست بیشتر است و مضر است و دیگر از
 حرکت و توج آب یقوه کبریا آید اشد میشود که برای صحت خیلی مفید است اگر چه در قدری
 موج دارد و هوا جزئی منقلب اما جهاز بزرگ و کم حرکت است لرزش جهاز بواسطه قوه بخار
 و حرکت ماشین بیش از حرکتی محسوس میشود و چون خدام حضور هم حاضر و مشرف
 شدند آقای شوقی افندی را امر بتلاوت مناجات فرمودند پس از مناجات سرسبز برای
 صرف چای تشریف بردند و بعضی از بیانات مبارک که این بود که این بساط الهیت بظاہر هم بسیار
 مجلل است ناصرالدین شاه چنین باطنی نداشت احمد شد تائیدات الهی شامل است
 نفوسیکه سبغوض مل دنیا بودند حال و چنین باطنی جاسند باید قدر دانست یکی از خدام
 عرض کرد چرا انسان وقت نعمت قدر نمیداند فرمودند این غفلت است و الا انسان با
 وقتیکه غریق بجز نعمت است قدر بداند و متذکر باشد (بعد فرمودند) چند ماه است خام
 زخمه ام لذا بلازم جهاز سپرده شد که خام حاضر نموده قدری آب گرم شیرین نیز مهیا
 کرد پس از خام فرمودند خیلی راحت شدم مدتی بود فرصت خام نمی بودم جناب میسر زامیر

عرض کرد که یکی از مسافین عرب ذکر نوح و غفلت خستند میگرد فرمودند بیچاره گننام شد
 و در ملک و ملکوت ذلیل گردید چه عزتی داشت ولی چون قدر ندانست بیاد رفت میخواست
 رئیس امریکا باشد صریحاً بن نوشت و از جمله عبارتی که در جواب او نوشته ام این بود که دع
 ذکر رئیس و المرؤس و التانس و المسوس الی آخر ستیاد شده عرض کرد ریاست هم در
 تحت اطاعت امر مبارک بود فرمودند اگر انسان خود را در امر الله ذلیل و حقیر دانست نزد کل
 عزیز نشود بالعکس بجز در خیال بزرگی ذلیل و ساقط میگردد در آن میان خانم محترمه بحضور انور مشرف
 و بواسطه تبرجم عرض نمود من اهل نیویورک هستم از تعالیم حضرت بخت آتشا چیزی شنیده بودم
 چون میدانستم وجود مبارک در مصر شریف دارند و در جهاز وقتی از دوسریکل انور را دیدم فوراً
 بقلبم الهام شد که شما حضرت عبدالبهاستید فرمودند "قلب چون فارغ و صاف باشد البته
 علم میشود معلومست که روح اعلی روحانی در میان قلوب صافیست که شما باین سرعت منتقل شدید
 (عرض کرد) من از جماعت موحسینم رجا دارم پیامی بجهت جماعت موحسین از لسان
 مبارک صادر شود که من با آنها برسانم فرمودند "هم مقاصد شریعت است و الفت و اتحاد
 بین نفوس است نیست اقیاز انسان از حیوان پس بجاعت خود در امریکا بگو "بشارت
 بشارت که آفتاب محبت طلوع نمود بشارت بشارت که بساط الفت گسترده گشت
 مرده مرده که علم ملکوت بلند شد مرده مرده بهار الهی ظاهر گردید مرده مرده ابر رحمت باریه
 مرده مرده اشجار حدیقه انسانی سبز خستند مرده مرده متادی ملکوت ندا کرد اتهمی خانم
 محترمه بسیار منجذب شد بطوریکه هر روز شرف حاصل مینمود و با مسافین کشتی از امر الله

صحبت می داشت وقت نماز یک ساعت بعد از ظهر بود که سر میز در سالون بزرگ نماز را تناول فرموده بهر یک از خدام آستان نهایت عنایت می فرمودند عصر باز خانم مشار الیهما مشرف و شرحی مفصل از قوه ماوراء الطبیعه عالم انسانی فرمودند که غالب بر عالم مادی و خارق عادات و قوانین طبیعت است چای عصر را در اوقات مبارک میل فرمودند و شب چون قدری حرکت جهاز بیشتر بود میل بطعام نفرمودند

صبح ۸ ربیع الثانی ۱۲۷۱ هجری (۲ مارچ) وجود طهر خود با وطاقهای قلزمین رکاب تشریف فرما شدند در وقتی که بعضی در خواب و بعضی بیدار بودند در هر اوقات دقیقگی کثرت فرموده احوال پرسی و اظهار عنایت نمودند و چون خدام حضور بالا در سالون مشرف شدند جناب شوقی افندی را امر تلاوت مناجات فرمودند حسین تلاوت مناجات بعضی از اهل جهاز خیلی بادبستهاده وضع جلوس مبارک و خندام حضور و تلاوت آیات آن خضوع را مشاهده نمودند و نهایتاً خضوع می کردند همیشه وضع قیام و جلوس و نطق و بیان مبارک جلب قلوب می نمود و جمیع نظرات متوجه جلال و جمال طلعت میثاق بود وقت نماز سر میز تشریف فرما شده فرمودند "ا وطاقهای شما پائین خوب جانی نیست باید بالا بیایید" عرض شد ا وطاقهای بهتر در درجه ثانی خالی است ولی اینها تا بتوانند تعذی می کنند علی الخصوص بر شرقیها چه که معتقد بخدا و جز نیستند فرمودند اگر بعضی بظاهر بامانت و راستی رفتار کنند محض اعتبار شخصی و شهرت و خوش میست نه ترویج انسانیت و راستی خشیت الله و حقیقت پرستی) بعد قونسول روسی مشرف و در مسائل تصوف صحبت می فرمودند و اینکه حکمای اشراق معتقد اوراک حقائق اشیا بواسطه

الهام بودند اما مشائین می گفتند ادراک حقایق اشیا بسته به تعلیم و تدریس است و شری
 و خصوص متصوفین فرمودند که عالم وجود را دریا و کائنات را امواج گفتند و چون قونول
 مذکور از روح سؤال نمود شری در این خصوص از فم اهل صا در جمله مجردات بچو اس ظاهره
 ادراک نشود و همچنین عالم مادون درک عالم مافوق نماید پس بیان آثار و ثبوت مؤثر پرداختند
 شخص مذکور بی نهایت منجذب و مسرور شد و چون در نابولی پیاده می شد خدا حافظی نموده با کمال
 خلوص مرخص گردید عصر شخصی امریکائی مشرف شد و حکایت ایام سیاحت خود را عرض رسانید
 فرمودند سیاحت ملک کردی حال مسیبه دارم بی عالم ملکوت نمائی و در تسلیم روحانی سائ
 شوی دعوض کرد آیا امر بهائی مصدق بخیل است فرمودند این امر مصدق جمیع کتب
 و مظاهر الهیه است و تعالیم آسمانی دارای دو قسم از حکامت قسمی صرف روحانیات و کمالات
 و فضائل عالم الهیست که ابد تغییر و تبدیل ندارد و برکت از کتب و سل مروج این اصول بوده
 و اساس جمیع ادیان بر این اصول است لهذا اساس ادیان الهیه کی است قسم دیگر فروع و عا
 جهانی و راجع به اعمال است که مقتضای هر عصری تغییر می کنند چنانچه در زمان مسیح فروع و عا
 تورات تغییر نمود از بنا سخ پرسید فرمودند پنجاه است که مردم فهمیده اند بلکه مقصود رحمت
 صفات و کمالات قدیم در صورت جدید است و دیگر اینکه ارواح در جمیع عوالم رو برقیست
 مثل روح جمادی که بعالم نبات و روح نباتی بعالم حیوان و روح حیوانی بعالم انسان صعود و
 انتقال نمایند همین قسم روح انسانی صعود و بعوالم الهی و مرتب عالی می کند انهی وقت دیگر
 همان شخص مشرف شد و بتان چین و ژاپان را برای تماشا تقدیم نمود فرمودند چه قدر

تفاوتست بین نفوس شخصی چنان خود را پست مینماید که پرستش جاد و صور بی جان و شکل
بی شعور میکنند و حال آنکه خدا او را ادراک داده و خلعت منقبت انسانی بخشیده و شخص
دیگر نفس در باوج کمال میرسد که آیت الهی و مقرب عالم انسانی میشود و بین تفاوت راه از کجا
تا کجا با آنکه مراد بود او که شناختن خدای وحسود بود و بوجه انیت الهی دعوت نمودند حال
پیران آنها بصورت و تمایل متشبهت و معتقدند انتی و درین صحبت چند نفر دیگر مشرف شدند
و از بیانات مبارکه بسیار شاد و شعوف گردیدند از نور بعضی از حضور مبارک اجازه گرفت
تهیه مجلس مفصلی بجهت استماع خطابه مبارکه دیدند و بر در فیس چهار زبان انگریزی اعلان
کردند که امشب حضرت عباس فندی در اوطاق بزرگ درجه اول در خصوص امر بهائی خطابه
ادا خواهند نمود لہذا حالت شوق و طلب در اکثر کتابتشی از رجال و سائمشہود بود
و شب بعد از صرف شام در صالون مذکور که متجاوز از پانصد نفر کرسی نشین حاضر خطابه
مفصل ادا نمودند اول شرحی در جامعیت انسان و کمال استعداد و شرف عالم انسانی فرمودند
که با وجود این هنوز عالم بمقام بلوغ نرسیده و جنس بشر از این مواهب الهیه منصرف بنور نری
و جدال افتخار مینمایند و بعد شرحی از ظهور ربیع و تعالیم قلم اعلی و نفوذ جمال اہی حل ذکره
بیان فرموده خطابه مبارک ختم شد و از جمیع وجوہ آثار بشارت و بشارت ظاهر ہم
دست میدادند و در محضر نور اطهار سرور نمودند مگر چند نفر کثیفها و بعضی ایالیایہای متعصب
از آن بعبء بیشتر نفوس راغب و زیاد تر بحضور مبارک مشرف میشدند و در مجال خصوصی و
عمومی ہمیشہ بیانات مبارکه جملہ بجا انگریزی ترجمہ میشد عصر کشتی نزدیک بنجا رسید

و کوه آتش فشان نمایان شد فرمودند در حقیقت کوههای آتش فشانی که در مدین و بلاد راز و زیر
 میکند این جهازات جنگیت در عربی خوب است و همی دارد آن را در میگویند یعنی زیر و زیر کینند
 و اقعاً محرت بنیان انسانی است کی میشود این جهازات ازین بارگران فارغ شوند و مرکب
 نفوس کردند و چون شهر سینا در دامنه کوه نمودار شد از دور جلوه خوبی داشت زیرا
 از روشنی چراغها آن قطعه زمین مانند پهری مزین بکوب و پروین بود و خیلی باشکوه
 و نورانی علی الخصوص که منظر نظر انور گردید

صبح ۹ ربیع الثانی (۲۰ مارچ) از دور سواد مدینه ناپولی که از شهرهای بزرگ ایتالیا است
 بنظر مبارک رسید در آنجا کشتی متصل بخشکی ایستاد و چون ایام محاربه بین عثمانی و ایتالیا بود
 و عداوتشان پاکد گیر بدرجه که اگر هر یک از آنها یکی از قوم مخالف خود را در بله خویش میدید
 بدون سوال جواب تعرض نمیداد لذا اجاباً که از حضور انور جانموده بودند که وجود طلسم و طمرین
 رکاب مبارک چون در لباس شرقی بستند در ناپولی پیاده نشوند چه تعرض الی بسافرن
 شرقی و انگلی با مولوی وینه عثمانی مسلم بود آن بود که نظر بر جای جتس بیرون شریف
 فرمانندند از داخل کشتی بعضی از خیا بانها و عمارت های شهر بنظر مبارک رسید از روز چند مرتبه
 از حقوق رنجبران بیان فرمودند که این جماله های زغال کس چه قدر تحمل زحمت مینمایند
 چه قدر محتاج و فقیرند خیلی لازمست صاحبان کمپانی و اعضا و کارخانه بجهت مزد و رها و جسرند
 باشد در شرکت سهمی معین نمایند تا سبب رفاهیت آنها و مانع اعتصابشان شود

صبح ۱۰ ربیع الثانی (۲۱ مارچ) چند نفر از اجبای امریکا که در نجب منظر

موكب اقدس بودند مشرف شدند از انجمن مستر و سس و دكاك اهل كندا و مستر و سس
 آستن اهل دنور و سس متواز و دوستان لندن از ناپولي تا نيو يورك ملتزم ركاب مبارك بودند
 و از روز ذكر اين بود كه هئيتي از طباطبائي معاینه چشمهای مسافرين از ناپولي كشتي خواهند آمد
 و ذكر علت چشم آقا خسرو را دكتور سابق نموده بود ولي چون دكتورهای ديگر آمدند و همه چشمها را معاینه
 نمودند گفتند چشم آقای شوقی افندی و آقای میرزا میر محمد غلت دارد و باید مر حبت کند هر قدر
 وجود مبارك و خدام و دوستان امريكائی كوشيدند با اراده طهارت و تقدير الهی موافق
 نيابد و گفتند اگر تا نيو يورك هم بروند آنها را مر حبت خواهند داد لهذا مر مبارك بعودت
 هر سه نفر صادر صبح ۱۱ بروج ايشانی (د. ۳) ما برح با عنایات
 و لطافت و ملاحظت بهر يك بر سر امر خص فرمودند و بانهايت تاثير و ملال پايده شدند
 قلب اهلر بسیار كمه گرديد و ملتزمين ركاب مبارك بی نهايت محزون ولي فرمودند در اين
 قضيه حكمتی است بعد معلوم خواهد شد اوقات مبارك از روز بشير در اين قضيه صرف شد
 تا عصر كه مركب مبارك از ناپولي حركت نمود و كبر عازم نيو يورك گرديد ملتزمين ركاب اقدس
 از ناپولي سه نفر خدام ايراني بودند آقای سيد اسد الله دكتور فرید و انجيد و از جهای
 امريكائی شش نفر مستر و دكاك با خانم دختر شش متر آستن و حرمش و سس متو در نهايت
 بساط و بساط قرب و تقاضا مشرف و منتظر بودند و از انجا جمع خدام ايراني و اجتای غزلی
 در وجه اول در جوار عنایت منزل داشتند عصر جمع را بجهت چای در اوطاق مبارك احضار
 فرمودند و شب شام را در صالون بزرگ سر میز تناول نموده فرمودند شب محض خاطر شما

سریندر آدم غذا هم خیلی خوردم بعد سه مودند این ایستایا ایها گمان کردند ما ترک هستیم راپورت دادند و سه نفر از ما را مانع شدند یکی کاتب بود و دیگری طبخ آنها را منع نمودند چندان مسئله نبود ولی این طفل (شوقی فندی) ناتوان بود چه ابرو انقدر سخت گیری کردند اینها این نحو تعذیب میکنند و لکن جماعت آنها را همیشه من اعانت کرده و میکنم چه در اسکندریه چه در حفا و همیشه چنین بوده که اولیا حق را زحمت میدادند حواریان حضرت مسیح را در کشتی چه قدر اذیت کردند و چه شفقتی برومان سفر نمودند انتهی آتش جلوس مبارک سر میر با خستادم و جناب عظمی عجیب داشت و اجتمع الفت نفوس شرقی و غربی جلب انظار کل مینمود

صبح ۱۲ ربیع الثانی (۳۱ پانچ) با و طاق ملازمان آستان شریف آورده احوال پرسید فرمودند چای را در او طاق مبارک میل فرموده بعد در بیرونی اجبای امریکائی عرض نمودند امروز کیشنبه است و هر صبح یکشنبه صالون جاز را کلیسا نموده نماز میخوانند فرمودند شاهم بروید همراهی کنید لهذا اجبای نیز برای خواندن دعا حاضر شدند بعد بناستی ذکر مس برست نمودند که چون نصد لیره برای تمیر راه مقام علی داده بود من بازای آن انگشتر گرانبهائی که بنتش طبعی مزین بود و بقیامت نازلی خسریده بودم برای او فرستادم و چون اهل ثروت بود معترین گمان نمودند اعانتی باین امر نمود با آنکه بیش از آنچه داد و با و طاقی شد آرزو ما را در او طاق مبارک تناول فرمودند پس از استراحت کمی اجبای امریکائی را احضار و شرحی از مهاجرت مبارک از طهران تا بغداد و سرمای راد و عدم اسباب میفرمودند که بدرجه شرف و سرمای بود که پایهای مرا برف زد و هنوز در رنستان انگشتهای پای من متاثر میشود در همان روز شرحی

از حیثیها و القات بستر برون فرمودند که تاریخ حاجی میسنه اجانی را کم و زیاد نمود و کتابخانه
 پاریس و لندن فرستادند و او را (بمستریاتی) تحریک بر ترجمه و طبع نمودند او هم محض ترویج
 اغراض خود بطبع و نشر آن کتاب پرداخت "عصر اخبار" جمیعاً حضار فرسه موه چسای در
 اوطاق مبارک صرف نمودند و بواسطه تلگراف بی سیم نوید صحت مبارک را برده فرستادند
 و از ورق مبارک که احوال پرسی فرمودند اما شب سر نیز شام بعضی از بیانات مبارک که این بود که
 جمیع موجودات در تحت تغیر و تبدلند بر جوانی پسر و پسر نهالی درخت کهن میشود و هر کس که
 متلاشی میگردد ادیان عالم نیز بیک در عصری سبب ترقی بود ولی حال مانند درختهای
 کهن گشته و بی ثمر مانده اند مل موجوده متوقعند که این درختها باز شکوفه و ثمری حاصل نمایند
 و این محالست مثل سبک نبود و بدست توقع ترقی زمان گوتم و برهارد دارند انهمی صحیح ۳۰ ابریح ۱۳۰۰
 (ا قول اپریل ۱۹۱۴) یکی از کشیشهای متعصب شرف شد بیانات مبارک با او بناسبت صحبت
 از مسائل بدیست و احتجاب مل سائره مفضل بود و کشیش مذکور بنهایت خضوع مخص شد
 اما صحت میل اقدس روز بروز بهتر بود و دریا ساکن تر و بموافق تر و خستام و اجبا
 در ساحت فضل و عطا دامن اشاکر و مفتخر عصر بیرون اوطاق مبارک مشی میفرمودند
 متر استن و خافش شرف شدند شرحی از معسله و مدیر مدرسه رومان بحضور مبارک
 عرض کردند که اغلب شاگردان آن مدرسه قیامانی هستند که گمان آنها در زلزله شهر سینا
 تلف شده اند و بنوعی آن مدرسه را آن مدیر (مادامهرا) نظم و ترتیب داده که اکثر مدرس
 امریکا و اروپا تازه از روی آن مدرسه ترتیب و انتظام یافته فرمودند که تا لیکها بر قدر

تعصب نمودند ذلیل تر گشتند تا حال که بترتیب جدید راضی شدند و الا این شخص متعصب
 ترین مذاهب عالمند الآن در پاریس در سه محله پاپاز فقط بجهت آوار سومات جزئیة
 مذہبی است که رسماً با مور کفن و دفن اموات و امثال آن مشغولند در امور دیگر ابداً خصل
 ندارند خدا رؤسای ادیان را ذلیل نموده هر چه بکنند روز بروز ذلیل تر میشوند همیشه خرابی
 نعت و بد اخلاقی است از رؤسای دین بوده انتہی صبح ۱۴ ربیع الثانی (۲۰ اپریل) ذکر غمناک
 و امراض رؤسای ادیان مفسد بودند یکی از خستادم در باره رؤسا و ایادی امر پرسید فرمود جمال
 ریشه او با هم رکند ایادی امر در اینطور با سم و لقب وارث نیستند بلکه نفوس مقدسه
 هستند که آثار تقدیس و روحانیتشان در قلوب نفوس ظاہر شود و دلها بحسن
 اخلاق و نیت و عدالت و انصافشان مجذوب گردند نفوس خود شیفته اخلاق
 ممدوحه و صفات مرضیه آنها شود و جوه خود متوجه شیم و آثار با هر ذیشان گردد نتیجی
 است که کعبه که خواهند بدبندند مسندیت که هر که بخواهد وارث شود ایادی امر
 دستهای خند پس هر که ناصر و خادم کلمه الله است او دست حقست مراد نمیست
 زلفظ و عبارت هر کس فانی تر است در امر الله مؤید تر است و هر کس خاضع تر متقی تر است
 تا بار را در اوطاق مبارک میل نمودند و عصر اجابوا ما امریکائے رادرجن (اوطاق تحریر)
 احضار فرمودند چای و شیرینی بهم عنایت کردند تفصیلی در خصوص سواری کشتی و زن
 و کالسه و امثال ذلک فرمودند که اینها برای طی مراحل وساحتها بیعیده و الا برای
 تفنن و تفریح بهتر از جمیع سواری براسب در مزارع و چمنزار و چشمه سار سبز و قزم در فصل بهار است

آن کیفیت دیگر دارد ذکر بالون و طیاره را بعرض مبارک رسانیدند فرمودند آنچه درین
 اسباب حل و نقل آلات و اسباب حرب و قتال ساخته اند در هوا نیست چنان خواهد بود
 امور و اسبابی بیان خواهد آمد که اسباب گذشته مانند ملاعب صبیان دیده شود و شب
 سر میز شام از جمله بیانات مبارکه در جواب مترود کاک فرق بین نفس و روح بود که نفس سطره
 مابین روح و جسم است فیوضات و کمالات را از روح گرفته جسم می دهد مثل اینکه آنچه را حواس
 ظاهری بینند بحواس باطنه می دهد تا در حافظه بماند و انسان آن را از قوه بفعل آورد
 بیسج ۵ ربیع الثانی (۳۱ اپریل) آثار جیل طارق که مرکز مهم سیاسی دول اروپاست نمایان شد
 و مرکب مبارک وارد بغداد گشت باد و برین زمین بسیار را ملاحظه می فرمودند و شرحی
 در ذکر جیل طارق و بحسزیره و اسپانیا و فتوحات سلیم و سرداران مخلص دروین
 می فرمودند که خداوند است و آنچه تکی بسلیم داد و انتها چه ذلتی برای خود پسندیدند آنرا
 اجبای امریکائی بجهت تبدیل باس بعضی از خدمت حضور مبارک اجازه خواستند
 که باقتضای وقت و مکان غمخیز از کلاه و عبا ی ایرانی بعضی از لباسها مثل سنج و قبا را تبدیل
 نمایند فرمودند چه عیب دارد من آنچه را مهم نیست و ضرری برای امر ندارد چندان
 اعتنائی کنم اینها بزیست بعد شروعی و عیشی (چنانچه عادت مبارک در هر صبح و عصر بود)
 نمود و می فرمودند سابق طایحه محیط باین سهولت ممکن نبود و تا کنون این نحو مسافرم
 از ایران با مریکا زفته بعضی رفته اند ولی برای منافع شخصی و امور حسنه نمیتوان
 گفت این اول سفر شرقیان است با مریکا امید شدید بتأییدات الهیه است

که از هر جهت ابواب نصر و فتوح مفتوح گردد زیرا امروز جمیع ملل عالم مغلوبند و غلبه
 و عزت طائف حول بسندگان جمال مبارکست جمیع مقاصد محو شود مگر این مقصد حلیل
 بذا مشقت و ذلت در این سبیل عین راحت و عزتست و زحمت نفس رحمت صبح
 ۷ اربع الثانی (۱۴ اپریل) جسزئے کساتی بوجود آید سس عارض آب معدن میل فرمودند
 امروز بعضی از بیانات مبارک در باره کلبوس بود که بخمال رفتن به بند دریا را بکظمت
 طی کرد چون بساغل رسید قطعاً امر یکا را دید و اتفاقاً چه قدر مردم برای امور ظاهری
 زحمت میکشند محض شهرت و برای کشف قطب شمالی چه نفوس تلف شدند بعد
 حکایتی فرمودند که یکی از اروپائیان در انقلاب و طوفان بدریا افتاد دیگران او را نجات
 دادند ولی او خود افسوس میخورد که چرا من غرق نشدم تا در روزنامه بنویسند
 و در جمیع ممالک اسم من شهرت نماید این نفوس برای امور جسزئے بلاکت خود رپی
 ولی در سبیل امر الله قدمی برنیدارند انتی بعد ذکر حضرت نبیل زرنندی فرمودند که
 قدر اینگونه نفوس بعد معلوم میشود و شرحی از بیوفائے اهل نقض و نفاق بیان کردند
 عصر الواحی مفصل در حق اقدان نیرد نازل و صادر شد و بجهت غذای مبارک ناهار و شام
 قدری شور با مخصوص طبخ نموده سر میسر حضور مبارک آوردند بعد از شام حال مبارک خیلی
 بهتر بود و تا دیر وقت بیرون جالس بودند و تالہ و نغمه موزیکت هم بهر صبح و عصر
 پس از ناهار و شام بلند آن شب یکی از نعماتشان را بسیار تجید فرمودند و چهار لیر
 هم بموزیکانچی با انعام عنایت نمودند صبح ۱۷ اربع الثانی (۱۵ اپریل) بسیار زود بعضی از خدام

احضار و اظهار خستگی نمودند ولی پس از تمام و صرف چای از خستگی بیرون آمدند و بسیار
 خوب و دریا خیلی آرام بود و بسزایر آلمانیکث از دور نمایان باد و برین ملاحظه میفرمودند
 و شش میگردند اما ناچار را آنروز مرغی که مخصوص طبع شده بود در اوطاق مبارک میل فرمودند
 و عصر جمعی از اغیار و اجباب در سالون شرف از جمله شخص محترمی صاحب مطبع امریکائی
 بود که اول با او در خصوص ایران صحبت کردند بعد سؤال از مسافرت مبارک نمودند و فرمودند
 من بر سب دعوتهای محافظل صلح با امریکا میروم زیرا اساس این امر بر صلح عمومیست و خدا
 عالم انسانی و مساوات بین بشر چون این عصر عصر انوار است و قرن اسرار لایب این
 مقصد جلیل عالمگیر شود و این امر عظیم محیط شرق و غرب گردد و انتهی از این قبیل بیانات
 مبارک شروع بود و قلوب منشرج و بسو طاعی بخصوص شخص مذکور که نهایت خضوع
 مرخص شد و میخواست دست مبارک را بوسه منع فرمودند و تسبیح مبارک را با و
 عنایت کردند هر روز خضوع اهل جبار و صاحب منصبان کشتی در حضور مبارک زیاد تر میشد
 و همیشه حین عبور تعظیم نمودند و کلاه از سر بریدند و آنشب پس از شام خیلی مجلس
 شدند و در خصوص زبان عمومی بیانات مفصله فرمودند صبح ۱۰ اربع الثانی (۱۲) اپریل
 در اوطاق مبارک هنگام صرف چای دستور العمل در و دینیو بو رک میفرمودند که چند
 روز دیگر میسریم باید همه جا منزل را خودمان در هتل بگیریم مزاحم اجناسویم اما مجلس
 اگر در منزل اجناسویم عیب ندارد بعد فرمودند بروید سر میزناشتا بخورید و خود
 مشغول تجسس برالواج گشتند تا وقت نایبار که سر میز شریف آوردند و ذکر غذای بسطی

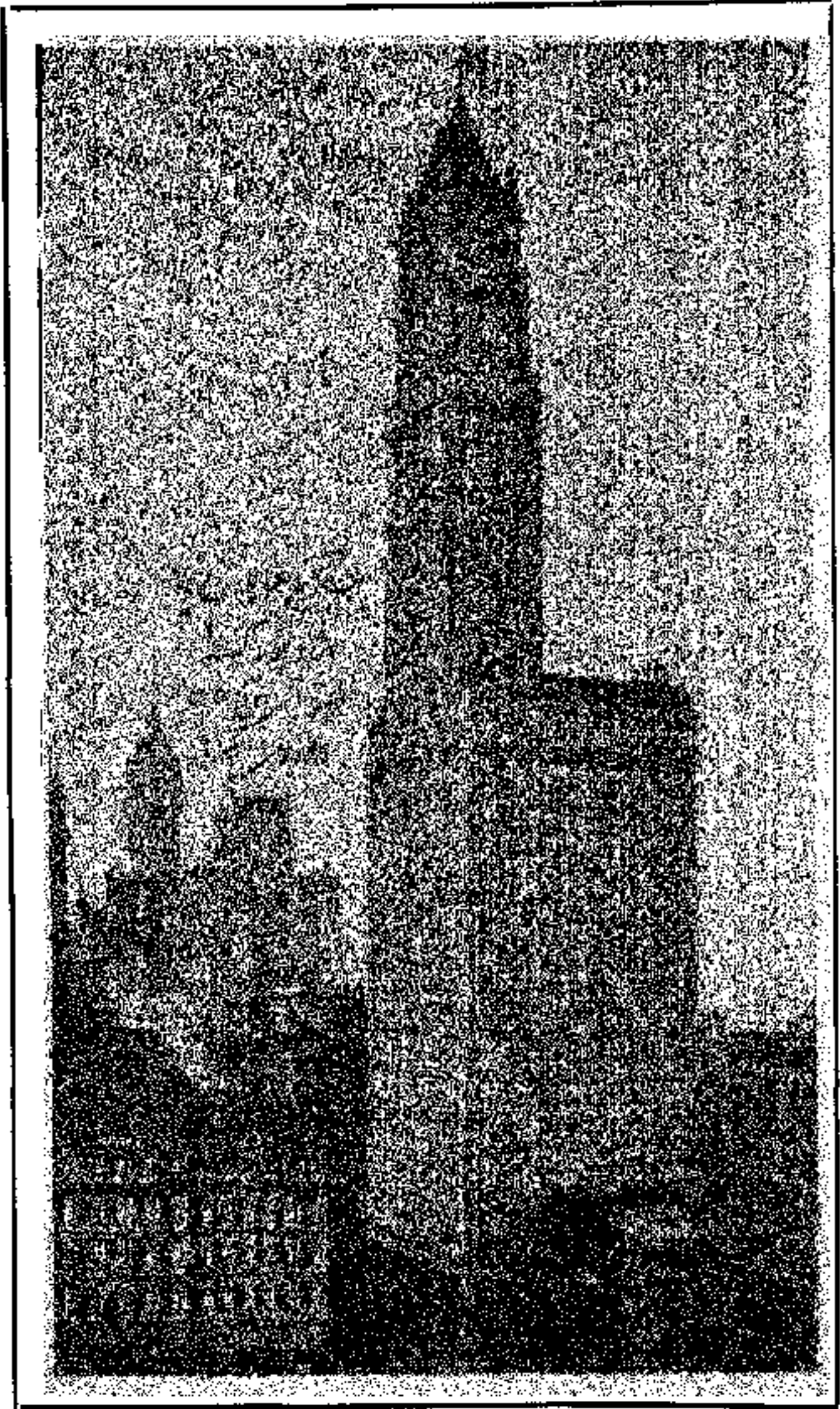
و مختصر میفرمودند و دوستان غرب عرض کردند در خصوص غذا با تجای امریکا
 دستور العمل عنایت شود فرمودند ما در خسله در طعام جهانی آنها نمیکنیم بد خدا ما
 در طعام روحانی هست اما عصر حبس و اما غرب را احضار و شرحی از تاریخ امر و بلیت
 ایام مبارک فرمودند و از جمله الواح سیکه از روز صادر شد یکی مناجات مفصلی در زیارت
 حضرت افغان حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله بود و دیگر روحی بخط مبارک صادر که فرمودند
 بیائید بنیستند و تم را بدین بسیارید شخصی از طهران نوشته که مشیت کلیت همیشه بر عرش
 ظهور استوایت یعنی همیشه حق را با اس خلق است من مؤکد اجواب نوشته بشاهم میگویم
 آگاه باشید که بین ظهورین ایام بطونست بر چند برای شمس حقیقت در مرکز تقدیس
 خود غروب و افولی نیست ولی از مقتضیات عالم امکان طلوع و غروب است آنچه سیکه
 در ایام بطون و فقرت حق را بلباس خلق ظاهر میگوند که هر لحظه شکلی بت عیار بر آمد
 آنها سبب اختلاف امر و تفسیر و خلقند اینگونه عنوانات بهانه است و مقصدشان آنکه
 خود را مرکز آثار گویند لهذا باید آنچه در الواح و آثار منصوص است بظاهر تنگ نمود
 و سر موئی تجاوز جائز نه انتی و عصر در جلوعمارت جهاز میسر میسند و میفرمودند هر روز
 روز و از دهم از سفر است ربع کره ارض را سیر کردیم و شش ساعت ریاضی را طی نمودیم
 حال اینجا عصر است اما در بر مصر ظهر است شب چون کشیشان در خصوص شهادت مسیح
 مجلس داشتند فرمودند صحبتشان در مجلس این خواهد بود که مسیح خود را برای
 رفع گناهان قربان نمود اما معانی آن را نفهمیده اند در این خصوص بعد از محفل آنها

مفضل صحبت فرمودند که رفع گناهان بعمل بوسایای آن حضرت است و شهادت مسیح
 برای حصول اخلاق حسنه و مقامات عالیه بودالی آخر بیانہ الأعلیٰ صبح ۱۹ ربیع الثانی (۷۰)
 اپریل قبل از صرف چای امر بتلاوت مناجات فرمودند پس شکرانه صون و عون عالی
 ابھی لسان کشودند و چون خند ام ایرانی و دوستان امریکائی سر نیز برای ناشتا حاضر
 بیش از هر روز متذکر بودند و شکر مواہب الهیه میگفتند و برکت از بودن در رکاب
 مبارک اظہار افتخار میگرد و میگفت اینکہ می بینم بہ بیداریت یارب یا بخواب
 و عصر جمعی از دوستان غرب و چند نفر از مسافریں جہاز مشرف و از تعالیم وحدت
 عالم انسانی و صلح عمومی و ارفساع خیمہ اخوت و یگانگی مشروح و مفضل صحبت فرمودند
 و بیش از پیش نفوس منجذب و قلوب منششرح و مسرور گردید صبح ۲۰ ربیع الثانی
 (۸۱) اپریل با حال خستگی از سفر دریا تجسیر الواجی بافتخار اجتہای طهران مشغول بودند
 تا وقت نامبارکہ سر نیز تشریف آوردند ولی بسز قدری شیر چیزی دیگر میل فرمودند
 و از روز تلگرافات بی سیم از اجتہای کلیفورنیا و شیکاگو در تبریک سفر مبارک رسید
 کہ دلالت بر نہایت ولہ و انجذاب آنها میکرد و بعضی نفوس چون مشرف شدند
 اطفال خود را نیز بحضور مبارک آوردند انقدر بان اطفال اظہار عنایت فرمودند
 کہ از شدت انس از حضور مبارک جدا نمیشدند و اکثر اوقات در ساحت انور بودند
 میفرمودند جمال مبارک ما را دوستدار اطفال فرمودہ و محبت جمیع نوع بشر کردہ
 بیانات مبارکہ از روز در خصوص نتایج و فوائد محبت و یگانگی بین نوع انسانی و مضرات

تعصب و تقلید و بیگانگی بود صبح ۲۱ ربیع الثانی (۹۳) اپریل وقتیکه چای میل میفرمودند
بیان مبارک این بود که فسه ای دیگر مسافر دریا هستیم واقعا قوه بخار چیه عجیبی است
اگر این قوه نبود کجس محیط را چگونه طی مینمودند خدا چه اسبابی فراهم نموده جمال مبارک
چه تائیدی فرموده و الا ما کجا و اینجا کجا چه نسبت است برندی صلاح و تقوی را چون
پست را حاضر نمودند که از نیویورک بافتخار دوستان شرق ارسال فرمایند تلگرافی
بی سیم باز از اجبای نیویورک در تبریک مسافرت طلعت انور رسید و بعد دکتوری
از اهل امریکا حاضر محضر طهر شده قریب یکساعت در تاریخ امر و مصائب حال قدم
و مدت سخن عظم و مسائل اہیت و تعالیم بدیعه صحبت فرمودند وقت ناما سر میز
جلوس نموده فرمودند فقط قدری آب گوشت میخورم میل بغذای کشتی ندارم عصری
اجبا و اما مرغ باز شرف در بزم وصل و قاشور و انجذالی دیگر حاصل نمودند که از نفوذ
امر عظم در الفت و اتحاد امم از نسیم اطهر بیاناتی همین شنیدند و چون دکتور ایتالیائی
سابق الذکر در کشتی همه روز با جناب نفوس و شرف و انبساط انهارا در بساط مبارک
میدید اظهار خضوعش بیشتر میشد و عبور اسلام و تعظیم و اظهار میل بیشتر مینمود
آخر آتش با نهایت خضوع بحضور مبارک آمد چون ذکر حضرت شوقی افندی جناب
میرزا منسیر و آقا خسر فرمودند عرض کردم ابدا از آقای شوقی افندی خبر
نداشتم فقط چشم خسرورادیدم این قصور از بیست دکتورهای نابولی بود و از حضور
اطهر عذر خواهی نمود و آن شب قونسول ایتالیائی و اکثر کتاب کشتی دستگیر

میشدند و از تعالیم مبارکه اظهار سرت و امیدواری می نمودند که در امریکا این مقام
و تعالیم خیلی پیشرفت خواهد کرد و بعضی اظهار اقبال می کردند و از محل و منزل مبارک
در نیویورک می پرسیدند چون شب آخر سفر دریا بود یک یک خدا حافظی نموده خشن
میشدند تا ساعتی که از دور چراغهای شهر نیویورک درخشان گردید و در نزدیکی
بناز کشتی سنگر انداخت که فردا صبح بکنار رود

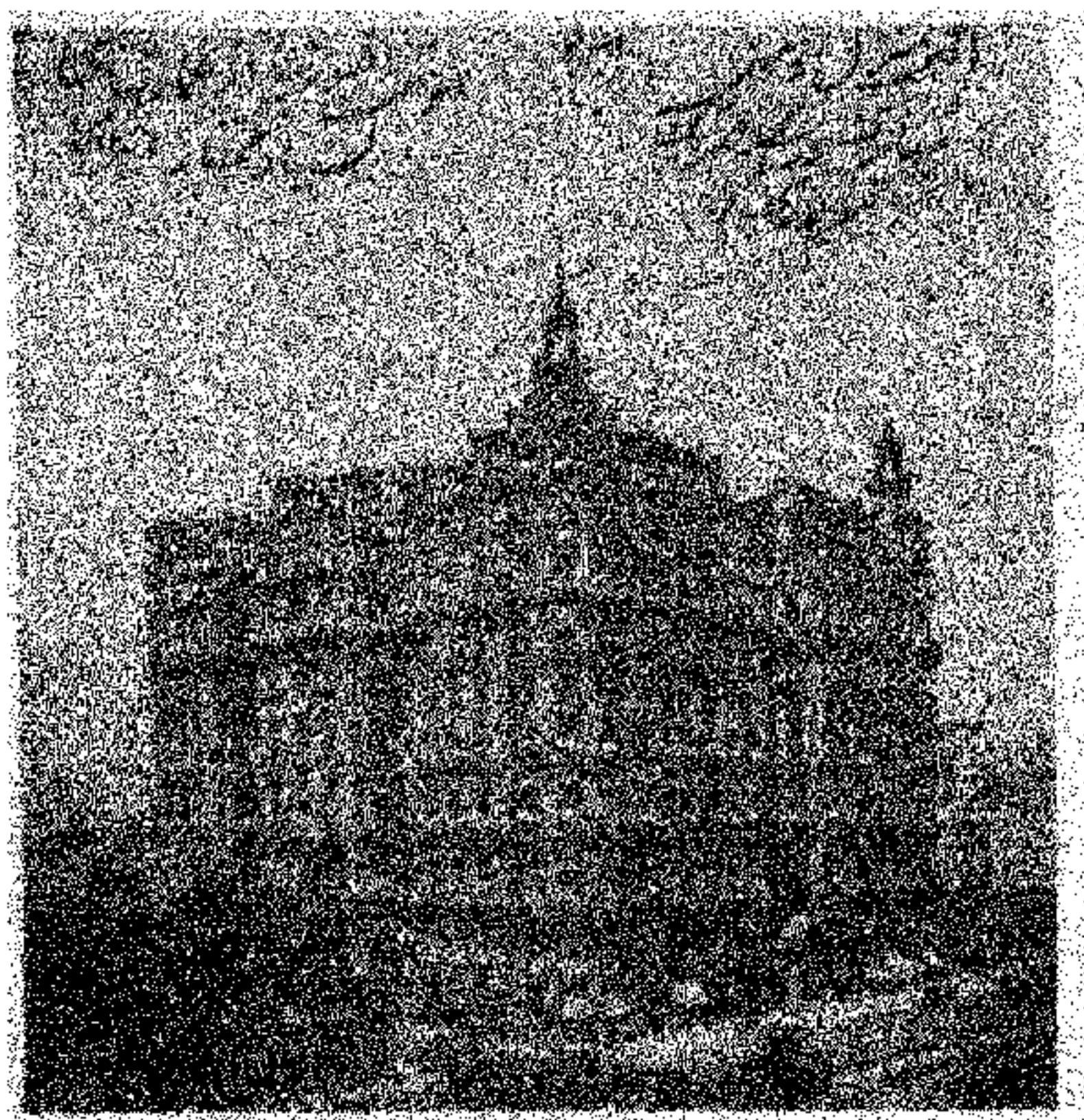
ورود موبیلا قدس نیویورک . صبح ۲۲ ربیع الثانی (۱۱) اپریل پس از صرف
چای تلگرافاتی حسب الامر در بشارت ورود مبارک صادر که پس از ورود نیویورک
بمخالف شوق و غربال رسال شود میفرمودند وقت حرکت از رطبه احدی گمان
نمی کرد که این سفر دریا با اینطور خوش بگذرد و محیط اعظم باین آسانی طی شود و صحت من
اینگونه مساعده نماید عرض شد تائیدات ملکوتی ابی مدام حامی میثاق بوده و اهل
کشتی همه میگویند هیچ وقت بحسب محیط باین آرامی نبوده و چون ناچار را سر میز میل فرمودند
باز تلگرافاتی سیم از مجامع بیانیان امریکا در تبریک ورود موبیلا مبارک بحضور اظهر
رسید و بعد مجتهد آزادی که در میان آب نصب بود بسیار باشکوه از نظر انور گذشت
و امر بجا حاضر نمودن اسباب فرمودند تا کشتی نزدیک بکنار رسید و از جمله عمارات عظیمه
و عمارت بسیار مرتفع چهل و پنج و سی و پنج طبقه نیز از نظر مبارک گذشت اجبای
نیویورک و اطراف جمع کثیری در رصیف صفت بسته از دور با کلاه و دستمال اظهار
شعف و سرت می نمودند ولی وجود مبارک از او طاق بیرون تشریف نیاوردند



۷۵۰ فوت
۲۲۵ درج

بعضی استادن کشتی چند نفر از روزنامه نویسیها بحضور انور شرف و سوال از مقاصد
 مبارک نمودند و مقصد ما صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است سفری
 در پاریس و لندن بودم حال برای ملاقات طالبان صلح با آمریکا آمده ام امیدم چنان است
 انجمنهای صلح آمریکا سبقت جویند سوال (چگونه صلح عمومی حاصل شود) حصولش بواسطه
 جلب افکار عمومیست امروز صلح عمومی در مان هر ردی است (سوال از درد نمودن فرمودند
 از جمله در دلا ابتلا و اضطراب رعایا در حرب دول است که آنچه بزمخت تحصیل میکنند
 دول بزور گرفته صرف مصاریف باهظه حرب میشوند و روز بروز برین مصاریف
 میافزایند و بار رعایا گران تر و اضطراب خلق شدیدتر میشود این یک درد عظیم است
 امروز در ممالک ایتالیا و ترکی بیسید چه قدر اضطرابست پدرها خبر مرگ پسرها میشوند
 و پسرها از خبر مرگ پدرها پریشان میشوند چه آبادیها ویران میگردد و چه ثروتها بباد
 میرود علاج این درد بصلح عمومی میشود نیست سبب آسایش کلی (سوال آیا میشود
 صلح اسباب زحمت جنگ مایه ترقی شود) خیر امروز آنچه سبب پریشانی است جنگست
 اگر جمیع ترک حرب نمایند از جمیع مشکلات آسوده شوند و هر زحمتی مستدل براحت شود
 و این نمیشود مگر بسبب ترقی عقول و تربیت نفوس الی آخر از این قبیل بیانات مفصله
 فرمودند تا آنکه رجای گرفتن عکس مبارک بجهت روزنامجات کردند این رجانیست بطرا
 قبول فائز بعد چون اجناد رکنار صف کشید و برای زیارت جمال انور بصبر و قسراً
 بودند و ندیدم جمعیت باروند بنزل مسترگنی من در آنجا عصری آنها را ملاقات نمودم

لهذا مشرف نشده مراجعت کردند مگر چند نفری از اجناس که در کشتی تشریف حاصل نمودند
 و پس از انعام و عنایت با جزایر و جهاز بیرون تشریف فرما شدند و کشور امریک
 بنزول قدم سرور تاجیک افتخار ابدی جست و موطنی اقدام طلعت عهد الهی
 گردید آن اوقات بنیعبد منظومیه در تبریک سفر مبارک عرض نمود
 که چندان شایسته نیست دلبهر شرق و سرور تاجیک
 کردنی محیط اطلانتیک بر دم از شوق باد و صد تبریک بر زد این نغمه کشتی سدیک
 که شهنشاه عهد میر وفا کرد آهنگ ملک امریکا
 مرکبش چون کشید در آغوش ارض شد غبطه سما و سروش فلک زد طعنه بر فلک زخوش
 بحر این نغمه دائم اندر جوش که شهنشاه عهد میر وفا کرد آهنگ ملک امریکا
 شد چه ده روز از ما پرل ۱۹۱۲ وارد آن لب زمزمیل جلیل بنیویورک گشت باجمیل
 داد این مرده صور اسریریل که شهنشاه عهد میر وفا کرد آهنگ ملک امریکا
 اول مجلس تشریف اجابلقای انور عهد لیبها، روحی لاجبانه لهنه آه عصر از منزل
 مستر کنی بود که چون کشتی پایده شده به هتل انسونیا نزول اجلال نسر نمودند پس از
 صرف چای از انجا تشریف فرمای مجلس شدند چه مجلسی که در دیوار از شوق و شغف
 اجباد در رقص و نوا بود از کثرت جمعیت جای ایستادن برای اکثری نبود پس از تعظیم
 و ولوله اجبانطقی مفضل در شکر تائیدات جمال مبارک و انجذاب قلوب و الفت و
 ارتباط شرق و غرب از نفوذ کلمه علیان فرمودند و بواسطه کثرت نفوس و شدت



THE ANSONIA, Broadway and 73d Street
Most Superbly Equipped House in the World.
NEW YORK, N. Y.

گرماز و در مراجعت کردند و هنگام حرکت یک یک اجبا خود را بحضور مبارک رسانیده
 انشاءً بجهی میگفتند دست میدادند دامن مبارک میگرفتند و استغای تائید
 مینمودند و تا وقت سوار شدن طائف حول مبارک بودند چون طلعت انور به هتل مراجعت
 فرمودند شکر تائیدات جمال مبارک می نمودند و حمد دعوی و نصرت ملکوت
 ابھی میگفتند اما هتل انسونیا کی از عمارات معتبره نیویورک بشمار میرفت و هفده
 طبقه داشت و اپارتمان منزل مبارک در طبقه هفتم دارای دو اطاق خواب
 هر اطاقی دو سریر و تالار نشیمن و سفره خانه و مطبخ و حمام و بیساع اثاث بیت لوازم
 بود و در هر طبقه سه چندین اپارتمان علاوه از اطاقهای مختصر موجود و کرایه اپارتمان
 منزل مبارک روزی چهار لیره فقط برای منزل و بل آن بدون خوراک بود صبح
 ۲۳ ربیع الثانی (۱۱) اپریل پس از شرف جمعی اجبار و زنامه نویسی در محضر انور مشرف
 از مقاصد مبارک پرسید شرحی فرمودند که برای سیاحت و ملاقات انجمنهای
 صلح آمده ام زیرا اساس صلح عمومی و ترویج اصول ادیان الهیت و آن حقیقت
 است و یکی است اما اختلاف ادیان و مذاهب از سوء تفاهم و تقلید است اگر این
 تعالید از میان برخیزد جمیع متحد شوند از این قبیل مفصل اجوبه وافیسه در جواب
 سؤالاتش فرمودند و بیانات مبارک گفتمی بحق نساء و عدم تعدد زوجات
 و امثال ذلک شد و چون وجود مبارک را پیغمبر شرق نامیدند فرمودند: من
 پیغمبر نیستم بنده خدا هستم و نام عبد بهت است با وجود این باز در روزنامه